



## چرا رئیس توانست، اما روحانی توانست؟

روزنامه کیهان در یادداشتی نوشت: آقای رئیسی طی کمتر از یک ماه توانسته، یک بحران خطرناک را حل و به یک آرزو جامه‌عمل بپوشاند؛ بحران واکسن و عضویت ایران در سازمان شانگهای. علاوه بر این دو، اقدامات خوب دیگری نیز در این مدت کوتاه انجام شده مثل مهار قیمت سیمان و آهن که در ساخت‌وساز مسکن از اهمیت بالایی بر خور دارند و از آنجایی‌که حل بحران مسکن نیز بنا به دلایل متعددی، جزو اولویتهاست، می‌توان انتخاب آن را نیز حاشیه‌دانه و کامل‌درست نامید… سوآلی که در این یادداشت به دنبال یافتن پاسخ آنیم این است که چرا آقای رئیسی می‌تواند، اما آقای روحانی نتوانست؟

یکی از ویژگی‌های برجسته دولت آقای رئیسی که حتم داریم در موفقیت ایشان تأثیر زیادی داشته، بی‌توجهی به حاشیه‌سازها و شیطنت‌های عوامل وضع موجود است. اگر بنا باشد به همه حاشیه‌هایی که برای ایشان ساخته می‌شود واکنش نشان دهد، زمانی برای کار کردن باقی نخواهد ماند. بهترین پاسخ به حاشیه‌سازها، کار کردن است. تردید نداشته باشید از همان روز اول تشکیل دولت سیزدهم منتظرند دولت ۱۰۰ روزه شود تا ایشان کارنامه‌ای بخواهند که خود طی ۲هزار و ۹۲۰ روز (هشت سال) نتوانستند حتی به آن نزدیک شوند. یکی از مشکلات بزرگ سیاسی در ایران این است که انرژی زیادی از مدیران بابت پاسخ دادن به حاشیه‌های بی‌اساس خرج می‌شود. در این کشور جریان‌های سیاسی‌ای داریم که از فرصت هم، بحران می‌سازند! باور نمی‌کنید؟ حل بحران واکسن یا عضویت در سازمان شانگهای مگر فرصت نیستند؟ چند روز است در تلاشند، این فرصت‌ها را ناچیز جلوه داده یا به شکلی درباره آن موضع بگیرند که نتیجه بشود، چیزی جز آنچه هست؟! همه جای دنیا معمولاً دعوایی اگر بین جریان‌های سیاسی به وقوع می‌پیوندد، بر سر شکست یا ناکامی است. اینجا برخی از دل بی‌بروزی و موفقیت، دعوا و حاشیه می‌سازند. بی‌اعتنایی به این حاشیه‌سازان و ادامه کار با همین روحیه و سرعت، قطعاً یکی از دلایل موفقیت آقای رئیسی است. «موفقیت» نتیجه طبیعی «تلاش و زحمت» است. دولت سیزدهم لاف‌لاق تا امروز نشان داده، مرد کار و تلاش و عمل‌شایسته‌روزی است حتی روزهای جمعه. چنین روحیه‌ای، گمشده بزرگ دولت قبل بود.

—————

### چالش‌های در مان پناهندگان

روزنامه آفتاب‌زد در یادداشتی نوشت: توریسم درمانی و استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی یک کشور با تعرفه بالا تر از معمول برای مسافرائی که مخصوصاً به قصد امور درمانی به یک کشور می آیند، یکی از روش‌های درآمزی در بسیاری از کشورها از جمله ایران است که البته در کشور ما هنوز اقدامات زیادی برای توسعه آن نیاز است.
بیشتربودن هزینه‌های درمانی برای مسافران خارجی بر اساس نوع خدمت ارائه شده متفاوت بوده و در موارد زیادی چون هزینه بستری به سه برابر تعرفه آزاد مصوب معمول هم می‌رسد.

از طرفی باید بدانیم که ارائه خدمات بهداشتی درمانی برای پناهندگانی که به خاطر جنگ، مشکلات سیاسی و… به کشوری مهاجرت می‌کنند یک مقوله کاملاً جدا بوده، نیاز به سازوکاری مستقل و مشخص و در خیلی از اوقات- مثل در میانه یک جنگ خانمانسوز- اقدامات اورژانسی از طرف وزارت بهداشت به عنوان متولی دارد.

این دو موضوع چنان متفاوت است که امکان یک‌کاسه‌کردن و برخورد یکسان با آن ممکن است عجیب و حتی غیرقابل باور برسد اما متأسفانه در دنیای واقعی خطای این دو میحت باعث ایجاد مشکلات جدی و گاهی تهدیدکننده حیات گردیده است.
بسیاری از پناهندگان به صورت فوری، فوتی و یا به جای گذشتن همه دارایی‌ها در کشور مبدأ، اقدام به مهاجرت می‌نمایند و به همین علت وضعیت اقتصادی آسیب‌پذیری دارند. به این مشکل بزرگ باید اضطراب‌های مهاجرت را نیز افزود که تعرف ساده آن برداشتن جان خود و عزیزان و کندن از همه ریشه‌ها، علاقی و اتصالات مأولف است.

بنابراین به عنوان یک نتیجه دریافت هزینه چندبرابری از پناهندگان هیچ توجیه عقلی و عرفی ندارد و ثانیاً این مسئله از اساس ربطی به درآمدزایی از طریق توریسم درمانی ندارد. توریسم درمانی هم اگر به دنبال توسعه‌است باید به بهینه‌سازی خدمات و قراردادن انتخابات‌های جذاب و خاص برای مسافران درمانی اقدام کند.

—————

### نگاهی به نطق رئیس

روزنامه رسالت در یادداشتی به بررسی نطق رئیس جمهور برای اجلاس سازمان ملل پرداخت و نوشت:

۱. عمده تأکید رئیس محترم جمهور بر خوی استکباری هیئت حاکمه امریکا، نشان از این واقعیت دارد که دولت جدید ایران، این واقعیت را درک کرده و پذیرفته‌که از جانب دشمنان این ملت، هیچ منفعت مدامی نصیب ملت ما نخواهد شد، اگر هم گشایشی مقطعی در برخی دوره‌ها عاید ما گشته، ترفندی در راستای اشتباه‌ادر اکی مسئولان و انحراف افکار بوده است. اشاره حجت‌الاسلام رئیسی به دو پدیده هجوم مردم امریکا به کنگره و همچنین تصاویر درناک فرودگاه کابل، نشان از آن داشت که سلطه امریکایی‌ها و اساساً اندیشه لیبرال‌دموکراسی در داخل و خارج از امریکا به بن‌بست رسیده است.

۲. دیپلماتی امروز دستگه اجرایی و به‌ویژه شخص رئیس‌جمهور، به لیختند زدن و همنشینیی با امریکایی‌ها و اروپایی‌ها محدود نمی‌شود و بر مسائل اساسی مردم از جمله واکسن و اقتصاد متمرکز است. دیگران هم خواهند فهمید که نواقضه‌های می‌حاصل که بیش از آن که خروجی داشته باشند، نمایشی دیپلماتیک، در دستور کار ما نیست.

۳. اگر بخوانیم سخنرانی پرکنته رئیس‌جمهور را در یک جمله خلاصه کنیم، پیگیری گزاره «خراج امریکا از منطقه» است. تأکید بر آنکه آزادی در کوله‌پشتی نظامیان بیگانه جای نمی‌گیرد و این واقعیت که امریکا از افغانستان نرفته بلکه اخراج شده است در همین راستاست.

۴. حجت‌الاسلام رئیسی به‌درستی، به برجام به‌عنوان یک سند بین‌المللی اشاره کرد که در قالب آن، تمام تعهدات از سوی ایران به اجرا درآمده اما نقض عهد دیده است. او هوشمندانه، از ارسال هر پیامی که ما را تشنه مذاکره نشان دهد حذر کرد و علناً گفت که به‌وعده‌های دولت امریکا اطمینان ندارد؛ سیاستی که یقیناً بیش از خوش‌بینی دولت قبل ما به امریکا، زمینه‌ساز تعامل با همسایگان، قدرت‌هایی چون روسیه و چین و حتی ارتباط و امتیازگیری از خود امریکا خواهد بود. دوران جدیدی آغاز شده است.

شنبه ۳ مهر ۱۴۰۰ | ۱۸ صفر ۱۴۴۳ |

**ک** گزارش مهدی پورصفا

ابزارهای غرب برای فشار بر ایران از کار افتاده است

# نه انفعال و نه تعجیل در مذاکرات



—————

#### حربه اول، تحریم بیشتر نفت ایران

تاکنون امریکایی‌ها برنامه روشنی در خصوص فشار هستند و در سوی دیگر ایران خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق خود بر اساس متن مذاکرات برجام است. ظاهراً غربی‌ها طراح‌حی موج جدیدی از فشارها علیه ایران را در دستور کار خود قرار داده‌اند اما سؤال این است که آیا این کار می‌تواند ثمری برای آنان داشته باشد. با

در نظر گرفتن هر کدام از ابزارهای طرفین روشن است که ایران در صورت شدت یافتن هر منازعه‌ای دست‌بالا را خواهد داشت. و دست‌غربی‌ها در این باره خالی وزارت در جریان سفر حسین امیرعبداللهیان، وزیر امورخارجه کشورمان به مقر سازمان ملل و دیدار با مقامات کشورهای غربی پیام‌های فراوانی چه آشکار و چه نهان در خصوص لزوم از سرگیری مذاکرات وین ارسال شد. طبیعی است که پاسخ ایران به این پیام‌ها تأکید بر ادامه مذاکرات مفید و دوری از «مذاکره برای مذاکره» بوده است. در سخنان اخیر رئیس‌جمهور و سخنان وزیر امورخارجه نیز بر همین مسئله تأکید شده که ایران تنها به دنبال «مذاکرات سازنده» است. مذاکرات سازنده باید شامل لغو تمام تحریم‌ها و تسخیر ایران از من در خصوص لزوم از سرگیری مذاکرات وین از طریق راهبردی که دقیقاً بر خلاف منطق غربی‌هاست و آنها تلاش می‌کنند موضوعات فرابرجامی شامل مذاکرات منطقه‌ای و موضعی را به این مذاکرات بیفزایند یا حداقل تضمینی برای شروع آنها بعد از احیای برجام از ایران دریافت کنند. طبیعی است که پاسخ ایران به این درخواست‌ها منفی باشد. در مقابل امریکا و غرب نیز ایران را متهم به احیای دوباره مذاکرات می‌کنند. شاید سؤال این باشد که توازن به سمت کدام یک و در طرف ماجراست.

—————

**ک** مجلس

## ذوالنوری: مجلسی‌ها در انتخاب استانداران دخالت نکنند

دولت حق انتخاب و نصب مدیران اجرایی را دارد، ورود نمایندگان در تعیین مصدایق و تمحیل آنها به دولت یا فلسفه تفکیک قوا سازگاری ندارد و غصب حق دولت است.
حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنوری، نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با مهر، در واکنش به برخی فشارهای سیاسی به وزارت کشور برای انتخاب استانداران، گفت: معتقدم قوه مجریه و قوه مقننه دو حیطه کاری جدا از هم هستند. کار مجلس وضع قانون و نظارت است. وی ادامه داد: دولت حق انتخاب

—————

**د**قعی

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

# پایسنه

سرویس سیاسی ۸۸۴۹۸۴۳۹



—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————